

فضول باشی و دمل‌های بسته

درحالی‌که هوای بی آفتاب اردبیل رو به شب داشت فضول‌باشی سراسیمه خودش را به من رساند و بدون مقدمه گفت: روزگار عجیبی است، خوش‌خدمتی برای برخی‌ها حد و مرز و اندازه ندارد، مدام در اندیشه حفظ موقعیت و مقابله با منتقدان هستند، برخی را با وعده و وعید، پیشکش کردن پست و مقام و یا حمایت‌های مالی و دهان چرب کردن‌ها آرام می‌کنند و برای جمعی دیگر که تن به پذیرش این بحث‌ها نمی‌دهند تخریب و بازی با آبرو را به‌کار می‌بندند. این‌ها آماده‌اند که برای حفظ خود و دوستان‌شان دست به هر کاری بزنند، این‌ها رسیدن به قدرت و ماندن در آن را بزرگ‌ترین هدف به حساب می‌آورند. اگر ببینند برای ماندن و استمرار مدیریت و قدرت‌شان به رنگ عوض کردن‌های لحظه‌ای هم نیاز دارند باکی از روی آوردن به بوقلمون صفتی هم نخواهند داشت. باور کنید در اراده و ایمان و صداقت بعضی‌ها انگشت‌به‌دهان ماندن لازم‌ترین و ضروری‌ترین عکس‌العمل در قبال رفتارهایشان است. بعضی از این آدم‌ها اگر ریسمان مفت گیر بیاورند خودشان را دار می‌زنند، بخواهی به آن‌ها بگویی که بالای چشم‌شان ابروست کینه‌ات را به دل می‌گیرند و به هر ترتیبی در مبارزه با تو کوتاهی نمی‌کنند و به چیزی جز تطهیر خود و دوستان‌شان فکر نمی‌نمایند. این‌ها باید بدانند که روزگار همیشه به دلخواه نیست، زیر و بالا زیاد دارد. خوش به حال آن‌هایی که یکرنگ هستند و هیچ‌وقت در کار و کردار و گفته‌هایشان دوپهلو رفتار نمی‌کنند.

گفتم: فضول‌باشی خیلی داری تند می‌روی، دهنه را بکش با هم برویم. چرا باید این قدر حرص‌جوش بخوری، اصلاً به من و تو چه ارتباطی دارد که برای عده‌ای نامردی کردن از سرکشیدن یک لیوان آب هم آسان‌تر است. به خدا قدر سلامتی خود را بدان، خیلی‌ها که تو از آن‌ها می‌گویی در فکر زندگی و آرامش خود و خانواده‌شان هستند تو چرا خود را می‌کشی؟ یک روز که به نظر می‌رسد خیلی هم دیر نباشد می‌بینی که از شور و شر افتاده‌ای و حتی توان فکر کردن به یک موضوع را هم نداری.

فضول باشی درحالی‌که رنگ‌پریده و مضطرب بود دور دهانش را با کف دست پاکیزه کرد و گفت: دوستی تعریف می‌کرد که برخی‌ها چنان در دریای دروغ و چند چهرگی غرق هستند که این روزها به خودشان هم رحم نمی‌کنند. اگر به خدمت‌شان مشرف بشوی و موردی درخواست بکنی به راحتی جواب منفی می‌گیری و وقتی به‌جای دیگر مراجعه نمایی و از یک شخص یا

مدیری دیگر همان درخواست را داشته باشی خبردار می‌شوی که قبل از تو فرد اولی زنگزده و رد درخواست تو را خواسته‌است! عجب مردان دروغگو، چندچهره و نان به نرخ روز خور در جامعه ما فرصت عرض‌اندام پیدا کرده‌اند، عجب کسانی به ناحق در جای بزرگان تکیه زده و با اعمال و رفتارشان حرمت بزرگان و جایگاه‌ها را از بین می‌برند! آیا این‌ها نمی‌دانند که وقتی یک حرف از یک دهن بگذرد از هزار دروازه می‌گذرد! چرا باید در قبال اقدامات خیرخواهانه ایستادگی کرد و چرا باید حق و حقیقت را در زیر چکمه‌های خودمخوری، غرور و خودپسندی پایمال نمود.

گفتم: فضول باشی در جامعه ما افراد هوشیارتر از آن هستند که حرف‌های منطقی و اصولی را از اقداماتی که ریشه در کینه و نفرت دارند نتوانند تشخیص بدهند. اقدامات این قبیل افراد دمل بسته هستند که دیر یا زود سر می‌کشایند و چهره‌های مخفی شده در زیر نقاب نفاق و کینه را معرفی می‌کنند و برایشان روزهای سختی را رقم می‌زنند.